

بررسی تطبیقی گوساله پرستی بنی اسرائیل در قرآن و عهد قدیم

حمید نادری قهفرخی^۱

چکیده

یکی از رویدادهای نقل شده در قرآن کریم و تورات، گوساله پرستی بنی اسرائیل در زمان رهبری هارون (ع) و غیبت موسی (ع) است. با وجود اشتراکات فراوان میان این دو نقل، افتراقاتی هم هست که فضای حاکم بر آنها را متفاوت می کند. «روشن شدن نقاط اشتراک و افتراق دو نقل برای قضاوت بین آنها»، «دفاع از آموزه های دینی و عصمت انبیا»، «ظرفیت عظیم معرفتی داستان های قرآن» و غیره ضرورت مقایسه ی این دو نقل را روشن می کند. بررسی تحلیلی-تطبیقی این حادثه در سه محور «عملکرد عامل انحراف»، «عملکرد رهبران بنی اسرائیل» و «عملکرد بنی اسرائیل» نشان می دهد اگرچه بین این دو گزارش شباهت های زیادی مثل اصل انحراف، کشتن هم دیگر به عنوان توبه و غیره وجود دارد، اما گزارش تورات از درون دچار ناسازگاری است؛ زیرا هارون (ع) به جای هدایت مردم، مجسمه ی گوساله را به آنان عرضه کرد؛ بنابراین مقصر اصلی انحراف است، اما خداوند بدون در نظر گرفتن مجازاتی برای وی، فقط بنی اسرائیل را با کشتن هم دیگر مجازات کرد. در مقابل نقل قرآن فاقد این ناسازگاری است؛ زیرا هارون (ع) تا پای جان به بهترین شکل با گوساله پرستان مبارزه کرد. ضمن اینکه گزارش قرآن دارای نقاط قوت دیگری چون مطرح کردن امتحان بنی اسرائیل، ترسیم زبردستی

^۱ استادیار معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه

معارف اسلامی، ایران، شهرکرد hamid.naderi@chmail.ir

سامری در گمراه کردن بنی‌اسرائیل و مدیریت قوی موسی(ع) در مهار انحراف هم هست.

کلید واژگان: گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل، عهد قدیم، موسی و هارون(ع)، امتحان بنی -

اسرائیل، سامری

مقدمه

یکی از وقایع نقل شده در قرآن و تورات، گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل در زمان غیبت موسی(ع) است. بنابر نقل قرآن موسی(ع) بعد از نجات بنی‌اسرائیل از اسارت فرعون، برای دریافت الواح تورات برای سی شب به طور سینا می‌رود. آن حضرت قبل از رفتن هارون(ع) را به عنوان جانشین خود معرفی کرد. بعد از گذشت سی شب خداوند مدت حضور ایشان را در طور ده شب دیگر تمدید کرد (اعراف/۱۴۲)؛ از این رو بازگشت ایشان با تأخیر مواجه شد. این تأخیر باعث رواج شایعه‌ی فرار موسی(ع) در میان بنی‌اسرائیل شد. (قمی، ۱۳۶۷ش: ۶۲/۲؛ کلینی، ۱۳۶۵ش: ۳۶۸/۱-۳۶۹) در همین زمان فردی به نام «سامری» با ساختن مجسمه‌ای به شکل گوساله‌ای و از جنس طلا که صدای گوساله تولید می‌کرد، آن را به عنوان خدای موسی(ع) معرفی کرد؛ از این رو تعداد زیادی از بنی‌اسرائیل به پرستش گوساله روی آوردند. (طه/۸۸) این در حالی بود که هارون(ع) به عنوان جانشین موسی(ع) در بین بنی‌اسرائیل حاضر بود، اما در اثر مقاومت آنان مجبور به سکوت شد (اعراف/۱۵۰) فضای حاکم بر روایت تورات از این رویداد با وجود داشتن اشتراکات زیادی با نقل قرآنی به‌گونه‌ای دیگر است به نحوی که ماهیت دو رویداد را از جهاتی متفاوت می‌کند؛ به‌خصوص اینکه در این روایت عامل اصلی انحراف هارون(ع) است. «وجود تشابه بین حوادث رخ داده در بنی‌اسرائیل و امت اسلامی» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۵۳۰/۲)، «روشن شدن نقاط اشتراک و افتراق دو نقل برای قضاوت بین آنها»، «دفاع از آموزه‌های دینی و عصمت انبیا در برابر شبهات مطرح»، «ظرفیت عظیم معرفتی داستان‌های قرآن کریم» و غیره ایجاب می‌کند این دو نقل به صورت تطبیقی مورد

بررسی قرار گیرند. البته در برخی آثار این بررسی تا حدودی صورت گرفته است (معرفت، ۱۳۸۶ش: ۸۱/۷؛ ماسون، ۱۳۸۵ش: ۴۹۱-۵۰۰؛ سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۷ش: ۵۲)، اما در عین حال به نظر می‌رسد این بررسی‌ها بسیار جزئی هستند و همه‌ی ابعاد این جریان را مورد بررسی قرار نداده‌اند. البته در همین آثار نکات ارزشمندی وجود دارد که با استفاده از آنها می‌توان این جریان را به صورت عمیق‌تر و دقیق‌تر از همه‌ی جوانب مورد بررسی قرار داد.

برای رسیدن به این هدف، نگاهی کوتاه به گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل نشان می‌دهد این واقعه دارای سه ضلع بوده است: عامل انحراف (سامری یا هارون(ع))، رهبران بنی‌اسرائیل (موسی و هارون(ع)) و خود بنی‌اسرائیل. بر همین اساس در ادامه برای روشن شدن نقاط اشتراک و افتراق این دو گزارش این سه ضلع در ضمن سه بخش جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند تا زمینه برای قضاوت بین آنها فراهم شود.

۱. تحلیل عمل‌کرد عامل اصلی انحراف بنی‌اسرائیل

بر اساس قرآن کریم در زمان حضور موسی(ع) در طور خداوند به ایشان اطلاع داد که بنی‌اسرائیل توسط فردی به نام سامری گمراه شدند: «وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه/۸۵). هم‌چنین بعد از حضور موسی(ع) در میان بنی‌اسرائیل و توبیخ آنان، به‌طور صریح اعلام کردند که این جریان با هدایت سامری بوده است: «مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَكِنَّا حُمْنًا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ؛ ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم؛ پس سامری این‌چنین القا کرد» (طه/۸۷). در مورد شخصیت سامری اطلاعات دقیقی در دسترس نیست، اما با این حال باید یک فرد شناخته شده و با نفوذ در بین بنی‌اسرائیل باشد؛ زیرا در مدت بسیار کمی مردم را به سمت خود جذب کرد؛ بسیار بعید است فردی گمنام یا بدنام بتواند در مدتی کمتر از ده روز چنین انحرافی عمیق را پدید آورد. شیوه‌ی عملکرد سامری را در قرآن کریم این‌گونه آمده است:

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورَ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ (طه/۸۸)؛ و برای آنان مجسمه گوساله‌ای پدید آورد که صدایی همچون صدای گوساله داشت و گفتند: «این خدای شما و خدای موسی است» و او [پیمانی را که با خدا بسته بود] فراموش کرد. از این آیه برداشت می‌شود که سامری:

اولاً: مجسمه‌ی گوساله به صورت پنهانی ساخت، فَأَخْرَجَ لَهُمْ؛ (طباطبایی، ۱۳۸۰ش: ۱۹۲/۱۴)؛ از این رو هم می‌توانست از مخالفت‌های احتمالی هارون (ع) در امان باشد و هم با خارج کردن آن می‌توانست بنی‌اسرائیل را غافل گیر کند.

ثانیاً: برای گمراه کردن بنی‌اسرائیل از ساخت مجسمه بهره گرفت نه راه‌های دیگر؛ زیرا حس‌گرایی و گرایش شدید آنان به بت‌پرستی، احتمال پذیرش آن را بسیار بالا می‌برد.

ثالثاً: برای ساختن مجسمه از طلا استفاده کرد نه اشیاء یا فلزات دیگر؛ زیرا در کنار آگاهی به حس‌گرایی و دور بودن بنی‌اسرائیل از تفکر، می‌دانست این قوم سال‌های زیادی را در محرومیت به سر برده است و روح مادی‌گری به‌گونه‌ای بر آنان چیره شده که برای طلا احترام ویژه‌ای قائلند. از این رو مجسمه‌ای از جنس طلا به‌خوبی می‌توانست توجه ملتی ستم‌کشیده و محرومی مانند بنی‌اسرائیل را جلب کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ۶/۳۷۱)^۱

رابعاً: مجسمه را به شکل گوساله ساخت؛ نه به شکل دیگری؛ زیرا براساس منابع تاریخی مصریان برای گاو احترام ویژه‌ای قائل بودند و آن را می‌پرستیدند. (ناس، ۱۳۸۱ش: ۵۱؛ سن، ۱۳۲۴ش: ۱۳۶-۱۳۸) حتی براساس برخی روایات بنابر دستور فرعون مردم مصر گاو می‌پرستیدند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴/۷۱۶). از این رو با وجود

^۱ این مطلب در حد یک موید است؛ زیرا محرومیت دلیل بر علاقه به طلا نیست، بلکه پول‌دارها هم برآن احترام قائلند.

اثربخیزی بنی اسرائیل از رفتار مصریان احتمال موفقیت سامری به طرز چشم‌گیری بالا می‌رفت.

خامساً: گوساله را به گونه‌ای ساخت که صدا تولید کند تا توجیه بنی اسرائیل راحت‌تر باشد؛ زیرا آنان می‌دانستند خدا با موسی(ع) سخن می‌گوید؛ بر همین اساس تعبیه این صدا را می‌توان در جهت برقراری شباهت بین گوساله و خدای موسی(ع) توجیه کرد. براساس روایات بعد از ظاهر شدن گوساله بنی اسرائیل به سامری گفتند: «چگونه این گوساله، خدای ما است؟» وی در جواب آنان گفت: «پروردگار شما از طریق این گوساله با شما صحبت می‌کند، همان طوری که با موسی(ع) از طریق درخت سخن گفت، بنابراین خدا در گوساله است.» (امام عسکری(ع)، ۱۴۰۹ ق/ ۲۵۱) به نظر می‌رسد بتوان اعتراف سامری را هم در همین راستا توجیه کرد؛ زیرا وی در توضیح کار خود گفت: «من چیزی دیدم که آنان ندیدند؛ من قسمتی از آثار رسول [فرستاده‌ی خدا] را گرفتم، سپس آن را افکندم» (طه/ ۹۶) اگرچه مفسران درباره این جمله توضیحات زیادی ارائه کرده‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ ش: ۲۸۵/ ۱۳-۲۸۶)، اما به نظر می‌رسد توضیح معقول‌تر این است گفته شود بنی اسرائیل تا قبل از ظهور این گوساله، درگیر دو جریان فکری بودند: جریان فکری مردم مصر که مدت‌های زیادی با آنان زندگی کرده بودند و جریان فکری موسی(ع). سامری با ترکیب این دو جریان، گذشته و حال بنی اسرائیل را در قالب مجسمه‌ی یک گوساله به آنان عرضه کرد. عرضی بیتی به شکل گوساله با الهام از افکار گذشته و نهاده شدن عنوانی به نام «خدای موسی» بر گرفته از تعالیم موسی(ع)، به حدی بنی اسرائیل را متقاعد کرد که علاوه بر مخالفت قولی با حضرت هارون(ع) (طه/ ۹۲)، تصمیم گرفتند او را به قتل برسانند (اعراف/ ۱۵۰؛ نادی، ۱۳۹۶ ش: ۱۷۴).

همه‌ی این موارد هم شناخت عمیق سامری نسبت به بنی اسرائیل و هم زبردستی وی در طراحی نقشه و اجرای آن را نشان می‌دهد؛ از این رو به محض عرضی مجسمه-ی گوساله بنی اسرائیل هم مجسمه و هم تفکر به وجود آورنده آن را به خوبی پذیرفتند. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که هدف سامری از این کار چه بود؟ جواب این سوال در اعترافات سامری منعکس شده است. موسی(ع) بعد از بازگشت از طور از وی سوال کرد: «ای سامری این چه کاری بود که کردی؟» (طه/ ۹۵) وی پس از توضیح کارهای انجام شده، گفت: «وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي؛ (طه/ ۹۵) و این چنین نفسم [این کار را] در نظرم

جلوه داد.» با توجه به اینکه این فقره بر اساس سیاق آیات در مقام بیان سبب رفتار سامری است (طباطبایی، ۱۳۸۰ش: ۱۹۵/۱۴)؛ می‌توان گفت: هوای نفس سامری در این جریان نقشی اساسی داشته است، به‌گونه‌ای که همه‌ی استعدادهای او را برای طراحی این انحراف سامان‌دهی کرد. برای توضیح بیشتر می‌توان این نکته را اضافه کرد که در آن زمان غالب مردم جهان یا همه‌ی آنان غیر از بنی‌اسرائیل بت‌پرست و در عین حال مقتدر و متمدن بودند. مردم ضعیف، شبیه شدن به انسان‌های مقتدر را مایه‌ی فخر و نجات از ذلت می‌شمارند؛ از این رو بنی‌اسرائیل به موسی(ع) گفتند: «يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ»^۱ بر همین اساس ممکن است سامری نیز این کار را برای سعادت قوم خود انجام داد، همچنان که «عمرو بن لحي» بت‌پرستی را میان عرب رواج داد تا حجازیان شبیه مردم شام شوند. (شعرانی، بی‌تا: ۴۸۳/۷) از طرف دیگر یکی از نکات مورد توجه در قانون‌گذاری این است که قانون به‌گونه‌ای وضع شود که راه رسیدن مجرم به خواسته‌اش بسته شود. به‌عنوان مثال قتل یکی از موانع ارث قرار داده می‌شود تا راه کسانی را ببندد که می‌خواهند با چنین کاری به ارث برسند (شهیدثانی، ۱۳۷۹ش: ۲۹۷/۲).^۲ از این رو با توجه به مجازات سامری می‌توان حدس زد که موسی(ع) از میان نفرین‌ها یا مجازات فراوانی که می‌توانست در قبال سامری انجام دهد، وی را به نحوی نفرین یا مجازات کرد که تنها باشد و نه به هیچ کس و نه هیچ کسی به وی نزدیک - شود. (طه/۹۷) شاید علت این نفرین این باشد که سامری قصد داشت با این کار مردم را دور خود جمع کند و موسی(ع) با این کار وی را به طور کلی ناکام گذاشت. (الوسی، ۱۴۱۹ق: ۵۶۶/۸)

بعد از روشن شدن حقیقت موسی(ع) سامری را نکشت تا به عنوان یک نمونه‌ی شکست خورده از یک فرد فرصت‌طلب، عبرت مردم شود (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۲۱۹/۷) اما در قبال او سه کار انجام داد: اول: وی را به‌طور کامل منزوی کرد: «فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ»؛ (طه/۹۷) برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که بگویی

^۱ «ای موسی! همان گونه که برای آنان معبودانی است، تو هم برای ما معبودی قرار بده» (اعراف/۱۳۸).

^۲ این نکته حکمت حکم است نه علت.

«تماسی نباشد یا تماس نگیر» این جمله ممکن است ناظر به حکمی تشریعی باشد یعنی موسی(ع) به بنی اسرائیل دستور داد که دیگر هیچ کس حق برقراری ارتباط با وی را ندارد (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۶/ ۱۵۲). البته احتمال دارد در بردارنده‌ی یک حکم تکوینی باشد؛ یعنی سامری مبتلا به بیماری مرموزی شد که کسی نمی‌توانست با وی تماس بگیرد و اگر تماس می‌گرفت، بیمار می‌شد (قمی‌مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۸/ ۳۴۴) یا مبتلا به بیماری روانی شد که از همه‌ی مردم فرار می‌کرد (آلوسی، ۱۴۱۹ق: ۸/ ۵۶۵). به نظر می‌رسد این حکم برای سامری بسیار دردناک باشد؛ زیرا انسان جاه‌طلبی که با بدعت خود می‌خواست، گروه عظیمی را دور خود جمع کند، به‌نحوی ناکام شده بود که حتی یک نفر با او تماس نمی‌گرفت. (مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ش: ۲۸۷/ ۱۳) از طرف دیگر باقی ماندن این شخص به عنوان یک نمونه‌ی انسان شکست خورده‌ی بدعت‌گذار در جلوی چشم بنی اسرائیل، می‌توانست نقش بسیار مهمی در تربیت آنان ایفاء کند.

دوم: مشخص کردن موعدی تخلف ناپذیر برای سامری: «وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تَخْلَفَهُ؛ وَ تَوَمَّعَدَى (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد.» در این فقره سه احتمال وجود دارد: «خبر دادن از زمان هلاکت سامری»، «نفرین موسی(ع) برای نابودی سامری» و «عذاب آخرت» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۹۸/ ۱۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش: ۱۷/ ۶) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در روایت قرآنی عامل انحراف به شدت مجازات می‌شود. سوم: نابود کرن گوساله وی: «وَأَنْظِرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ غَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (طه/ ۹۷)؛ بنگر به این معبود که پیوسته آن را پرستش می‌کردی؛ آن را می‌سوزانیم سپس آن را به دریا می‌پاشیم.» این عمل به‌خوبی بی‌مایگی خدا بودن مجسمه را به بنی اسرائیل نشان می‌داد.

بر اساس تورات روایت این داستان به این گونه است که بعد از نجات یافتن بنی اسرائیل از اسارت فرعون، خداوند از موسی(ع) می‌خواهد تا برای دریافت لوح‌ها سنگی و

تورات به بالای کوه برو؛ از این‌رو موسی(ع) با خادم خود یوشع حرکت کرد و به مشایخ گفت: «برای ما در اینجا توقف کنید تا نزد شما برگردیم، همانا هارون و حور با شما می‌باشند. پس هر که امری دارد نزد ایشان برود.» (سفر خروج، باب ۲۴: ۱۲-۱۴) براساس این متن هارون به دستور موسی(ع) در کنار بنی‌اسرائیل ماند. علاوه بر این تورات با عبارات مختلفی از هارون و پسران ایشان با عنوان «کاهن» و با عظمت یاد کرده است (خروج، باب ۲۸: ۱؛ باب ۲۹: ۹؛ باب ۲۸: ۳۸؛ سفر لاویان، باب ۱۰: ۸-۹) موسی(ع) چهل روز و شب در کوه ماند (خروج، باب ۲۴: ۱۸ و ۳۴: ۲۸). چون بنی‌اسرائیل دیدند که آمدن موسی(ع) با تأخیر مواجه شد، نزد هارون آمدند و گفتند: «برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند؛ زیرا این مرد، موسی، که ما را از مصر بیرون آورد، نمی‌دانیم او را چه شده است». به‌دنبال این درخواست، هارون از آنان خواست که گوشواره‌های طلای خود را برای وی بیاورند. هارون طلاهای آنان را گرفت و با آنها گوساله‌ای ساخت. بنی‌اسرائیل با دیدن این صحنه گفتند: «این خدایان شما است که شما را از زمین مصر بیرون آوردند». هارون چون این منظره را دید، مذبحی پیش آن بنا کرد و نداد داد: «فردا عید یهوه است.» (سفر خروج، باب ۳۲: ۱-۵) سپس تورات ضمن شرح بازگشت - خشمناک حضرت موسی(ع) و انداختن الواح تورات، می‌گوید: «و موسی به هارون گفت: این قوم به تو چه کرده بودند که گناه عظیمی بر ایشان آوردی؟ هارون گفت: خشم آقام افروخته نشود، تو این قوم را می‌شناسی که مایل به بدی می‌باشند. آنان به من گفتند خدایی برای ما بساز تا ما را هدایت کند، چون نمی‌دانیم چه بر سر موسی که ما را از مصر بیرون آورده، آمده است، من هم گفتم که گوشواره‌های طلای خود را پیش من بیاورند. گوشواره‌های طلا را در آتش ریختم و این گوساله از آن ساخته شد.» (خروج، باب ۳۲: ۲۱-۲۵)

بنابر گزارش تورات این انفعال هارون در برابر این درخواست بنی‌اسرائیل چند اثر به دنبال داشت: «مشتعل شدن شعله غضب خدا و تصمیم برای هلاکت بنی‌اسرائیل»

(خروج، باب ۳۲: ۱۰)؛ «افسار گسیخته شدن بنی اسرائیل و بی‌آبرو شدن آنان در پیش دشمنان» (خروج، باب ۳۲: ۲۵)؛ «کشته شدن سه هزار نفر از بنی‌اسرائیل برای توبه از این گناه» (خروج، باب ۳۲: ۲۸)؛ «نازل شدن بلای هولناک بر بنی‌اسرائیل» (خروج، باب ۳۲: ۳۵)؛ علی‌رغم همه‌ی این موارد هیچ مجازات یا بلایی متوجه خود هارون نشد و خداوند خطا و تقصیر ایشان را عفو کرد و وی را هم‌چنان در مقام رئیس کاهنان باقی گذاشت (خروج، باب ۴۰-۱۲-۱۵ و لاوی، ۸).

با توجه به این توضیحات می‌توان گفت: مهم‌ترین نقاط مشترک این دو نقل عبارتند از:

الف. سامری و هارون برای منحرف کردن بنی‌اسرائیل از مجسمه‌ای به شکل گوساله و از جنس طلا به‌عنوان خدای بنی‌اسرائیل استفاده کردند. به احتمال زیاد همان دلالی که پیرامون عمل‌کرد سامری درباره‌ی انتخاب طلا و شکل مجسمه گفته شد، درباره‌ی هارون هم جاری باشد.

ب. سامری و هارون هر دو بنی‌اسرائیل را به‌خوبی می‌شناختند و از طرف هر دوی آنان جزء چهره‌های مشهور و معروف بنی‌اسرائیل بودند.

ج. در هر دو روایت رهبری و سرپرستی قوم در زمان غیبت موسی(ع) به هارون سپرده شده است (اعراف/۱۴۲؛ سفر خروج، باب ۲۴: ۱۲-۱۴). البته بنابر نقل تورات جای این سوال وجود دارد که چرا موسی(ع) چنین شخص منفعلی را به جانشینی خود برگزید و مردم را به مشورت با او در امور دستور داد که سرانجام مردم را به گمراهی کشید؟ (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۶ش: ۲۷)

د. بنابر هر دو نقل به محض ظاهر شدن مجسمه‌ای گوساله از جنس طلا بنی‌اسرائیل آن را بدون درنگ به‌عنوان خدا پذیرفتند.

در کنار این نقاط اشتراک مهم‌ترین نقاط افتراق این دو نقل عبارتند از:

۱. عامل اصلی انحراف در روایت قرآن شخصی به نام «سامری»، اما عامل اصلی در

روایت تورات، هارون، کاهن بنی اسرائیل است. در این قسمت اشاره به این نکته ضروری است که بدون شک «سامری» به معنای اهل سامره یا منسوب به گروه سامریان نیست؛ زیرا این شهر یا فرقه بعد از سلیمان(ع) و تقسیم کشور بنی اسرائیل به دو کشور شمالی و جنوبی پدید آمدند. (کتاب اول پادشاهان، باب ۱۶: ۲۴) از این رو بر خلاف ادعای برخی مستشرقان (رضوان، ۱۴۱۳ق: ۳۵۲/۱) قرآن کریم در نقل این واقعه دچار انحراف نشده است؛ زیرا اولاً: قرآن مطالب خود را از منبعی آسمانی و فوق زمینی نقل می‌کند که بر پیامبر اکرم(ص) وحی شده‌اند؛ نه از تورات (سلیمانی‌اردستانی، ۱۳۸۷ش: ۴۵)؛ ثانیاً: در توضیح نبود اسم سامری در تورات و حتی نام‌آنوس بودن آن در زبان عبری برخی بر این باورند که سامری لقبی برابر مرتد است و سامریان به علت اینکه از دین عمومی یهود سر باز زدند، مرتد خوانده می‌شدند و به تدریج لفظ سامری به معنی مرتد رواج یافت. از این رو قرآن، به شخصی که مجسمه‌ی گوساله را ساخته، لقب سامری (مترادف با مرتد) داده است (حریری، ۱۳۸۴ش: ۱۷۲-۱۷۳). از نظر برخی دیگر سامری فردی اسرائیلی به نام زِمِری^۱ است که به خاطر فساد کشته می‌شود (سفر اعداد، باب ۲۵: ۱۴؛ سلیمانی‌اردستانی، ۱۳۸۷ش: ۴۹-۵۰). همچنین ممکن است سامری منسوب به شمرون (یا سمرون) پسر یساکار از فرزندان یعقوب(ع) (سفر پیدایش، باب ۴۶: ۱۳؛ سفر اعداد، باب ۲۶: ۲۴) باشد (بلاغی، ۱۳۳۱ق: ۹۸-۹۹؛ توفیقی، ۱۳۸۷ش: ۸۵). از طرف دیگر در هنگام انتقال اسمی از زبانی به زبان دیگر ممکن است تغییراتی کند که شاید تطبیق آنها بر همدیگر بسیار سخت باشد؛ از این رو تغییر نام «زِمِری» یا «شمرون» به «سامری» در اثر انتقال این واژه‌ها از عبری به زبان عربی امری ممکن و معقول به نظر می‌رسد. اگرچه به خاطر نبود شواهد کافی، تطبیق سامری بر یکی از دو این قول به نحو قطعی ممکن نیست، ولی صرف احتمال وجود چنین نام‌هایی در تورات، مجالی برای اشکال مطرح باقی نمی‌-

^۱. zemer

گذارد.

۲. عملکرد عامل انحراف در دو روایت دارای نقاط افتراق زیادی هست؛ زیرا:

اولاً: هارون براساس تقاضای بنی اسرائیل مجسمه‌ی گوساله را ساخت؛ بنابراین فرقی نمی‌کند که گوساله به صورت علنی ساخته شده باشد یا مخفیانه؛ چون عامل اصلی انحراف و رهبر بنی اسرائیل در این زمان خود هارون است و نیروی مخالفی در برابر آن وجود ندارد که بخواهد آن را مخفیانه بسازد، اما در روایت قرآنی در مورد سامری نه تنها چنین چیزی مشاهده نمی‌شود بلکه خود وی بدون هیچ درخواستی از بنی اسرائیل گوساله را به صورت پنهانی ساخت.

ثانیاً: در متن تورات تصریح شده که هارون به طور صریح از بنی اسرائیل تقاضا می‌کند که گوشواره‌های طلای زنان، دختران و پسران را بیاورند. احتمال دارد این طلاها، همان زیورآلاتی باشند که بنی اسرائیل قبل از خروج از مصر، از قبطیان غارت کردند؛ زیرا در تورات آمده که «بنی اسرائیل به نوعی که موسی فرموده بود نقره‌آلات و طلاآلات و لباس‌ها را از مصریان خواستند و خداوند در نظر مصریان، به قوم عنایت داد که به ایشان خواسته شده‌ها را دادند و مصریان را غارت کردند.» (سفر خروج، باب ۱۲: ۳۵-۳۶) بنابراین در کیفیت جمع‌آوری طلاها برای ساخت گوساله اصلاً ابهامی وجود ندارد، اما روایت قرآنی این قسمت مبهم است؛ زیرا در سخنان بنی اسرائیل آمده است: «مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم؛ پس سامری این چنین القا کرد.» (طه/۸۷) منظور از این فقره به طور دقیق معلوم نیست؟ طلاها را به درخواست سامری در آتش انداختیم یا طلاها را از خود دور کردیم، اما سامری آنها را برداشت و گوساله را ساخت. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ۲۷۰/۱۳-۲۷۱)

ثالثاً: مجسمه‌ی گوساله هارون هیچ خصوصیت منحصر به فردی مثل تولید صدای گوساله نداشت، از این رو به نظر نمی‌رسد پیچیدگی خاصی در ساخت آن به کار برده شده باشد؛ این در حالی است که گوساله‌ی سامری پیچدگی در آن به کار رفته بود که صدای

گوساله تولید می‌کرد.

۳. از مجموع متن تورات به دست می‌آید که هارون این کار را بدون هیچ نقشی قبلی فقط برای ساکت کردن بنی اسرائیل انجام داد و هیچ گونه اعتقادی به بت مذکور نداشت؛ زیرا هیچ گاه به بنی اسرائیل نگفت که این بت خداست، بلکه خود بنی اسرائیل خدا بودن مجسمه را اعلام کردند. (مستر هاکس، ۱۳۷۷ش: ۹۱۷) ظاهراً هارون در این ماجرا هم طرف بنی اسرائیل را ملاحظه کرد و هم طرف خدا را؛ زیرا مذبحی برای بت بنا کرد و عیدی هم برای خدا (یهوه). (همان) اگرچه در این عمل کرد نمی‌توان انگیزه‌های مادی یا نفسانی هارون را پیدا کرد، اما این انفعال کامل در مواجهه با خواسته‌ی بنی اسرائیل، ضعف و سستی اراده‌ی او را به خوبی نشان می‌دهد. در مقابل از مجموع قرآن کریم برداشت می‌شود که سامری با حساب و نقشی قبلی و به صورت هدف‌دار برای گمراه کردن بنی اسرائیل وارد صحنه شده باشد. «طراحی مجسمه‌ی گوساله به نحوی که صدای گوساله تولید کند برای برقراری مشابهت بین خدای موسی(ع) و مجسمه‌ی گوساله»، «مخفیانه ساختن مجسمه‌ی گوساله» و «اعتراف صریح خود وی در پیروی از هوای نفس» از شواهد این ادعا هستند.

۴. بنابر نقل قرآن گوساله‌ی سامری، اگرچه نه حرفی می‌زند و نه راهی نشان می‌داد، اما صدای گوساله تولید می‌کرد، اما نقل تورات نسبت به این مسأله ساکت است (معرفت، ۱۳۸۶ش: ۸۱/۷).

۵. «سامری» در گزارش قرآن کریم در نهایت به شدت مجازات می‌شود، اما در گزارش تورات هیچ مجازاتی متوجه هارون نمی‌شود. در تحلیل عملکرد رهبران بنی اسرائیل ثابت می‌شود که مجازات نشدن هارون باعث تناقض درونی روایت توراتی می‌شود.

۲. تحلیل عمل کرد رهبران بنی اسرائیل

بدون شک یکی از عوامل رشد یا سقوط جوامع انسانی، عمل کرد رهبران آنان در نحوه‌ی مدیریت آن جوامع به خصوص در مواقع بحرانی است؛ گاهی مواقع تصمیم صحیح یا غلط یک رهبر سرنوشت جامعه را به طرف سعادت یا بدبختی می‌کشاند. با توجه به این نکته این سوال مطرح می‌شود که رهبران بنی اسرائیل (موسی و هارون(ع)) در واقعه‌ی گوساله‌پرست شدن آنان چه عمل کردی داشتند؟ و اگر عملکرد آنان صحیح بود چرا این قوم به گوساله‌پرستی روی آوردند؟

بنابر گزارش قرآن کریم موسی(ع) قبل از رفتن به طور ضمن معرفی هارون(ع) را به‌عنوان جانشین خود در میان بنی اسرائیل، دو دستور مهم را به ایشان یادآور شد: «اصلاح بنی اسرائیل» و «عدم پیروی از راه مفسدان» (اعراف/۱۴۲). این دستور به‌خوبی نشان می‌دهد که در میان بنی اسرائیل افراد مفسدی وجود داشتند که برای نابودی زحمات این دو پیامبر همواره در کمین بودند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۲۳۶/۸). ظهور سامری در زمان غیبت موسی(ع) به‌خوبی نشان می‌دهد که پیش‌بینی آن حضرت کاملاً دقیق و به‌جا بوده است. بر اساس روایات اسلامی تا مدت سی روز از این غیبت بنی اسرائیل پیرو هارون(ع) هستند، اما با تأخیر موسی(ع) شایعه‌ی فرار آن حضرت پخش شد. با ظهور مجسمه‌ی سامری، هارون(ع) به مقابله با آن می‌پردازد. گزارش قرآن کریم از این قسمت داستان به این شکل است: «و پیش از آن، هارون به آنان گفته بود: «ای قوم من! شما به این وسیله آزمایش شده‌اید، پروردگار شما رحمان است، پس، از من پیروی کنید و فرمانم را اطاعت نمایید» (طه/۹۰). براساس این آیه آن حضرت هم با بنی اسرائیل با عطاوت و مهربانی صحبت کرد [ای قوم من]، هم ماهیت این جریان را روشن کرد [شما به این وسیله آزمایش شده‌اید]، هم مهربانی پروردگارشان را به آنان گوشزد کرد [پروردگار شما رحمان است] و هم راه برون رفت از این فتنه را به آنان ارائه کرد [پس، از من پیروی کنید و فرمانم را اطاعت نمایید]. براساس تحقیقات انجام شده هارون(ع) با این جملات موارد لازم برای نجات بنی اسرائیل را در زمان مناسب و به شکل خوبی به

آنان ارائه کرد (نادری قهفرخی و عزیزی کیا، ۱۳۹۴ش: ۵۵-۶۱)، اما بنی‌اسرائیل علاوه بر مخالفت قوی با آن حضرت (طه/۹۱) تا حد قتل ایشان را تحت فشار قرار دادند (اعراف/۱۵۱)؛ بر همین اساس هارون(ع) برای جلوگیری از فساد دیگری مانند تفرقه بین بنی‌اسرائیل (طه/۹۴) از قیام علیه آنان خودداری کرد و منتظر بازگشت موسی(ع) ماند.

خداوند در طور به موسی(ع) اطلاع داد که «پس از [رفتن] تو، قومت را امتحان کردیم و سامری گمراهشان کرد» (طه/۸۵)؛ از این‌رو با حالتی عصبانی به میان بنی‌اسرائیل برگشت، اما با اینکه عامل فتنه کاملاً مشخص است، در ابتدا با لحنی همراه با مهربانی و توبیخ با قوم خود صحبت کرد. سوال اساسی در اینجا این است که چرا موسی(ع) ابتدا سراغ عامل اصلی انحراف نرفت، بلکه با وجود عصبانیت زیاد ابتدا سراغ بنی‌اسرائیل رفت و با مهربانی همراه با توبیخ با آنان صحبت کرد؟ به نظر می‌رسد موسی(ع) از همان ابتدا به دنبال اصلاح قوم بود؛ لذا در ابتدا فرمود: «ای قوم من! آیا پروردگارتان به شما وعده‌ی نیکویی نداد؟ آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامید یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟» (طه/۸۶) اما بنی‌اسرائیل با بهانه‌تراشی و فرافکنی، بدون توجه به عمق فاجعه و قبول از اشتباهات خود، علت اصلی این انحراف را به سامری نسبت دادند و کار خود را توجیه کردند (طه/۸۷)؛ رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷ش: ۹۰/۱۳. ناگفته پیداست در این فضا نمی‌توان هیچ اقدام در جهت اصلاح انجام داد مگر اینکه این فضا شکسته شود. بر همین اساس در ادامه موسی(ع) با انداختن الواح (اعراف/۱۵۰) و برخورد تند با هارون(ع) فضای حاکم را شکست (طه/ ۹۱-۹۴)؛ (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ۳۷۸/۶ و ج ۲۸۲/۱۳-۲۸۴) و در مرحله‌ی سوم ماهیت فتنه‌ی به‌وجود آمده را از زبان خود سامری به گوش آنان رساند (طه/۹۵) و وی را بدون هیچ‌گونه اغمازی و البته در جهت تربیت قوم مجازات کرد (در قسمت قبل گذشت). در انتها هم موسی(ع) برای جبران این اشتباه حکم سنگین کشتن یکدیگر را به بنی‌اسرائیل ابلاغ کرد:

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَاقَوْمِ اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا اِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ اِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ (بقره/۵۴) و [یاد کن] زمانی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! شما با پرستش گوساله به خودتان ستم کردید، اینک به درگاه خالق خود توبه کنید؛ پس یکدیگر را بکشید، این کار در پیشگاه خدا برای شما بهتر است.

براساس این آیه اولاً: موسی(ع) قوم خود را با مهربانی خطاب کرد (ای قوم من)؛ ثانیاً: ماهیت گوساله‌پرستی را ظلم به نفس قلمداد کرد؛ ثالثاً: آنان را به توبه به درگاه خالق آنان دعوت کرد. در این آیه «باری» به معنای «خالق» (طوسی، بی‌تا: ۲۴۴/۱) یا «پاک‌کننده از عیب‌ها» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۴۰؛ رازی، ۱۴۲۰ق: ۳/۵۱۶) است. هر کدام از این دو معانی در نظر گرفته شود وجه ظلم بودن گوساله‌پرستی بیشتر برجسته می‌شود، به این ترتیب پذیرش حکم بعدی راحت‌تر خواهد بود. به این ترتیب قوم لجوجی مثل بنی‌اسرائیل در این جریان، نه تنها حرفی نزدند، بلکه ضمن اظهار پشیمانی از عمل خود (اعراف/۱۴۹)، حاضر شدند برای توبه به کشتن هم‌دیگر روی بیاورند (بقره/۵۴؛ جوادآملی، ۱۳۸۷ش: ۴/۴۷۶).

بنابر نقل تورات، در زمان حضور موسی(ع) در طور، خداوند به وی اطلاع می‌دهد که قوم وی گوساله‌پرست شده‌اند؛ از این رو به‌خاطر این سرکشی و فراموشی احکام باید خشم خداوند بر آنان فرود آید و همگی به هلاکت برسند (خروج، باب ۳۲: ۷-۱۰) موسی(ع) بلافاصله بعد از شنیدن این تهدیدها با تضرع و زاری و ذکر دلایلی از خداوند می‌خواهد که از تصمیم خود منصرف شود (خروج، باب ۳۲: ۱۱-۱۳) این تضرع و زاری موسی(ع) به درگاه خداوند موثر واقع گردید و خداوند از تصمیم خود برای هلاکت بنی‌اسرائیل منصرف شد. (خروج، باب ۳۲: ۱۴) آن حضرت بعد از تضرع به درگاه خداوند، به همراه یوشع بن نون به طرف بنی‌اسرائیل حرکت کرد، در حالی که دو لوح سنگی حاوی ده فرمان خداوند، در دست ایشان بود. بعد از نزدیک شدن به اردوگاه بنی‌اسرائیل صدای

ساز و آواز به گوش می‌رسید. (خروج، باب ۳۲: ۱۷-۱۸) وقتی موسی(ع) به اردوگاه نزدیک شد و چشمش به گوساله‌ی طلایی افتاد که مردم در برابرش می‌رقصیدند و شادی می‌کردند؛ آن‌چنان خشمگین شد که لوح‌ها را به پایین کوه پرت کرد و لوح‌ها تکه‌تکه شد. (خروج، باب ۳۲: ۱۹) موسی(ع) در ادامه، گوساله‌ی طلایی را گرفت و آن را در آتش انداخته ذوب کرد، آن را کوبید، گردش را روی آب پاشید و از آن آب به بنی‌اسرائیل نوشانید. (خروج، باب ۳۲: ۲۰) به‌نظر می‌رسد همان توجیهات ارائه شده در قسمت قبل پیرامون رفتار موسی(ع) با گوساله‌ی سامری در اینجا هم جاری باشد.

موسی(ع) در ادامه به هارون گفت: «این قوم به تو چه بدی کرده بودند که ایشان را به چنین گناه بزرگی آلوده ساختی؟» (خروج، باب ۳۲: ۲۱) در قسمت قبل اشاره شد که هارون در توجیه کار خود فساد بنی‌اسرائیل و درخواست ایشان برای ساخت بت را ذکر کرد. (خروج، باب ۳۲: ۲۲-۲۴) ادامه داستان نشان می‌دهد که در این جریان هیچ مجازاتی شامل حال هارون نمی‌شود، این درحالی است که عاملی اصلی این انحراف بنابر متن تورات ایشان است (خروج، باب ۳۲: ۳۵) و دلیل وی نیز قانع کننده نیست.

در ادامه موسی(ع) کنار دروازه‌ی اردوگاه ایستاد و با صدای بلند گفت: «هرکه طرف خداوند است پیش من بیاید.» تمام طایفه‌ی لاوی دور او جمع شدند. موسی به ایشان گفت: «خداوند، خدای بنی‌اسرائیل می‌فرماید: شمشیر به کمر ببندید و از این سوی اردوگاه تا آن سوی بروید و برادر و دوست و همسایه‌ی خود را بکشید.» لاوی‌ها اطاعت کردند و در آن روز در حدود سه هزار نفر از قوم اسرائیل کشته شدند. موسی به لاوی‌ها گفت: «امروز ثابت کردید که شایسته‌ی خدمت خداوند هستید با اینکه می‌دانستید که اطاعت شما به قیمت جان پسران و برادراتان تمام می‌شود، از فرمان خدا سرپیچی نکردید؛ پس خدا به شما برکت خواهد داد.» (خروج، باب ۳۲: ۲۵-۲۹) برای توضیح این قسمت از تورات تذکر چند نکته ضروری است:

۱. در فقره‌ی «هرکه طرف خداست پیش من بیاید» دو احتمال وجود دارد: کسانی که

اصلاً سراغ گوساله‌پرستی نرفتند و کسانی که بعد از گوساله‌پرستی از این کار توبه کردند.

۲. به نظر می‌رسد بعد از اعلام موسی(ع) همه‌ی بنی‌اسرائیل به پیش آن حضرت نیامدند، بلکه فقط طایفه‌ی لاوی درخواست ایشان را اجابت کردند.

۳. دستور موسی(ع) این است که برادر و دوست و همسایه‌ی خود را بکشید.

از جمع این سه نکته می‌توان حدس زد که مفهوم دستور موسی(ع) این بود که کسانی که اصلاً سراغ گوساله‌پرستی نرفتند یا کسانی که بعد از گوساله‌پرستی از این کار توبه کردند و اکنون گرد ایشان جمع شده‌اند، باید سراغ هم‌نوعان گوساله‌پرست (اعم از تائب و غیرتائب) بروند و آنان را به قتل برسانند.

۴. به نظر می‌رسد حضرت موسی(ع) در این سخنان فقط با گفتن فقره‌ی «هرکه طرف خداست پیش من بیاید» زمینه را برای ابلاغ حکم سنگین یک‌دیگرکشی به بنی‌اسرائیل فراهم کرد.

موسی(ع) روز بعد برای طلب شفاعت به بالای کوه رفت و از خداوند برای بخشش بنی‌اسرائیل طلب مغفرت کرد، اما خداوند در نهایت به ایشان اعلام کرد: «من به موقع، قوم را بخاطر این گناه مجازات خواهم کرد.» خداوند بخاطر پرستش بتی که هارون ساخته بود، بالای هولناکی بر بنی‌اسرائیل نازل کرد. (خروج، باب ۳۲: ۳۰-۳۵) یکی از مجازات‌های خداوند این است که قوم را به حال خود می‌گذارد. سرانجام قوم از کرده‌ی خود پشیمان شد و به درگاه خدا راز و نیاز کردند. موسی(ع) نیز از قوم خود شفاعت کرد و خداوند هم آنان را بخشید (خروج، باب ۳۳: ۱-۲۳) و بار دیگر دستور داد دو لوح سنگی بسازد تا دستورات الهی بر آنان نگاشته شوند. (خروج، باب ۳۴: ۱)

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت: خشم موسی(ع) بر بنی‌اسرائیل به‌خاطر گوساله‌پرستی؛ انداختن الواح و تعیین مجازات کشتن هم‌دیگر به عنوان راه توبه یا مجازات و غیره مهم‌ترین نقاط مشترک نقل قرآن کریم و تورات پیرامون عمل‌کرد رهبران بنی‌اسرائیل است. مهم‌ترین نقاط افتراق این دو نقل عبارتند از:

۱. بنابر نقل تورات موسی(ع) در طور بین بنی اسرائیل و خداوند واسطه می‌شود و تقاضا می‌کند که گوساله‌پرستان را هلاک نکند، اما در نقل قرآن کریم هیچ سخنی از موسی(ع) پیرامون این مطلب گزارش نشده است.

۲. بنابر نقل قرآن کریم موسی(ع) بعد از بازگشت، ضمن صحبت با بنی اسرائیل، آنان را به خاطر انجام این عمل توبیخ و سرزنش کرد، اما در نقل تورات هیچ اشاره‌ای به این مطلب نشده است.

۳. بنابر نقل تورات الواح بعد از افتادن می‌شکنند، به همین خاطر در ادامه دو لوح سنگی دوباره تراشیده می‌شود. به نظر می‌رسد فوران غضب و عصبانیت احتمالاً کنترل نشده، نقشی اساسی در وقوع این حادثه داشته است. اما در قرآن هیچ اشاره‌ای به این مطلب نشده است.

۴. بنابر گزارش قرآن اقدامات موسی(ع) بعد از بازگشت به این شرح است: صحبت با بنی اسرائیل، انداختن الواح، برخورد تند با هارون(ع)، برخورد با سامری و سوزاندن گوساله، ابلاغ حکم کشتن همدیگر. این اقدامات در تورات به این شکل گزارش شده‌اند: انداختن الواح، سوزاندن گوساله، صحبت با هارون، دعوت به همدیگرکشی، عذرخواهی به درگاه خداوند. مقایسه‌ی این اقدامات روشن می‌کند:

۴-۱. اقدامات اصلاحی موسی(ع) بنابر نقل قرآن منسجم و همانند حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوسته هستند و یکی مقدمه‌ای برای دیگری است (نادری قهفرخی و رهایی، ۱۳۹۱ش: ۵۵-۵۷)، اما این انسجام در گزارش تورات کم‌رنگ یا شاید بی‌رنگ باشد.

۴-۲. در نقل تورات، موسی(ع) بعد از سوزاندن گوساله خاکستر آن بر روی آب پاشید و آن آب را به بنی اسرائیل نوشانید، اما در نقل قرآن چنین چیزی نیامده است.

۴-۳. بنابر نقل قرآن کریم موسی(ع) برای عامل اصلی انحراف مجازات‌های سنگینی در نظر گرفت، اما بنابر گزارش تورات حتی عامل اصلی انحراف را توبیخ هم نکرد. همین

نکته باعث می‌شود که روایت تورات از درون دچار تناقض شود؛ زیرا در این روایت بدون تردید، مقصر اصلی شخص هارون است. از طرف دیگر موسی(ع)، هارون(ع) را به رهبری قوم گماشته و به مردم سفارش کرده است که از او اطاعت کنند و سپس به طرف طور رفته است. هارون(ع) به‌جای هدایت مردم، به درخواست آنان گوساله‌ای ساخته، برای پرستش آن مذبح بنا می‌کند. حال مقصران این گناه چه کسانی هستند؟ موسی(ع) به مردم گفته است که از حضرت هارون(ع) اطاعت کنند و ایشان گوساله را ساخته و مردم را به گناه کشانیده است. خداوند عادل چه کسی را باید مجازات کند؟ آیا غیر از این است که بیش از هر کسی باید هارون مجازات شود؟ اما خداوند ظاهراً با ایشان کاری ندارد و او مقام خود را به عنوان کاهن قوم حفظ می‌کند و قرار است نام او به عنوان یک شخصیت برجسته در تاریخ بنی‌اسرائیل بماند؛ در عوض قوم باید سخت‌ترین مجازات را متحمل شود (خروج، باب ۲۵: ۱۴). از این‌رو ماجرا بنابر تورات نقل شده، از درون ناسازگار است (سلیمانی‌اردستانی، ۱۳۸۷ش: ۵۲)، اما در نقل قرآن از چنین ناسازگاری برخوردار نیست؛ زیرا هارون(ع) تا پای جان و به بهترین شکل با گوساله‌پرستان مبارزه کرد، اما بنی‌اسرائیل مقاومت کردند و به گوساله‌پرستی روی آوردند.

۴-۴. در نقل قرآن کریم، موسی(ع) دقیق‌تر و قوی‌تر از گزارش تورات زمینه را برای اجرای حکم سنگین ابلاغی آماده کرد.

۴-۵. در نقل قرآن کریم سخن صریحی از عذرخواهی نهایی موسی(ع) به درگاه خداوند نیامده است. البته برخی قائلند که بعد از جریان گوساله‌پرستی، موسی(ع) هفتاد نفر از بزرگان را برای معذرت‌خواهی، به نمایندگی از همه‌ی بنی‌اسرائیل به میقات می‌برد که ناگهان زلزله‌ای آنان را فرا می‌گیرد. (اعراف/۱۵۵؛ رازی، ۱۴۲۰ق: ۳/ ۵۱۹) بر این دیدگاه اشکالات متعددی وارد است که مهم‌ترین آنها، عدم وجود دلیل برای اثبات این ادعاست. (طباطبایی، ۱۳۸۰ش: ۲۷۱/۸)

۵. در گزارش تورات تعداد کشته شدگان سه هزار نفر ذکر شده، اما در قرآن چیزی

نیامده است.

۳. عملکرد بنی اسرائیل

براساس گزارش قرآن کریم، خداوند بعد از گوساله‌پرست شدن بنی‌اسرائیل به رهبری «سامری»، به موسی (ع) که هنوز در طور حضور داشت، اطلاع می‌دهد که «ما قوم تو را بعد از تو امتحان کردیم و سامری آنان را گمراه ساخت.» (طه/۸۵) در این آیه سخن از امتحان بنی‌اسرائیل به میان آمده و در عین حال به خداوند نسبت داده می‌شود: «امتحان کردیم.» بنابراین با استفاده از این آیه می‌توان اذعان کرد که واقعه‌ی رخ داده در بنی‌اسرائیل در اصل یک امتحان الهی بوده است که آنان نتوانستند از آن سربلند بیرون بیایند. از طرف دیگر امتحان خداوند پدیده‌ای هدفمند است که نقطه‌ی آغاز، مسیر و نقطه‌ی انتهایی آن همگی براساس حکمت الهی رقم خواهد خورد. بر همین اساس می‌توان تمام عمل‌کرد بنی‌اسرائیل در این واقعه را براساس امتحان شدن آنان بررسی کرد.

شواهد و قرائن نشان می‌دهد حس‌گرایی شدید بنی‌اسرائیل به‌خاطر تأثیرپذیری از مردم مصر، وجود مفسدان در میان آنان، عدم اطمینان کامل به موسی(ع) و آموزه‌های ایشان و غیره زمینه‌ی مناسبی را برای امتحان بنی‌اسرائیل فراهم می‌کرد (نادری، ۱۳۹۶ش: ۱۷۰-۱۷۵) بر همین اساس بنی‌اسرائیل به‌وسیله تمذید میقات موسی(ع) از سی به چهل شب (اعراف/۱۴۲) و ظاهر شدن گوساله‌ی سامری (طه/۹۰) امتحان شدند (چگونگی امتحان). اما در اثر عوامل همانند عجله کردن (اعراف/۱۵۰)، عدم توجه به راهنمایی‌هایی عقل (اعراف/۱۴۸) و به ضعف کشاندن هارون(ع) (اعراف/۱۵۰) نتوانستند از این امتحان سربلند بیرون بیایند. البته در ادامه با اقدامات موثر موسی(ع) از این کار پشیمان شدند (اعراف/۱۴۹) و با پذیرش حکم سنگین کشتن یکدیگر (بقره/۵۴) از آثار منفی این انحراف نجات پیدا کردند. از این امتحان در مجموع آثار مثبتی مثل جدا شدن صف مدعیان ایمان و منافقان از مومنان، افشای ماهیت سامری، استوار شدن هویت دینی بنی‌اسرائیل و نجات از آثار ارتداد باقی ماند (نادری، ۱۳۹۶ش: ۱۸۰-۱۸۳)

با توجه به متن تورات بنی‌اسرائیل قبل از بازگشت موسی(ع) مرتکب چند عمل شدند:

الف. پیشنهاد بت پرستی به هارون به خاطر تأخیر موسی(ع): «برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند؛ زیرا این مرد، موسی، که ما را از مصر بیرون آورد، نمی-دانیم او را چه شده است.» (خروج، باب ۳۲: ۱) این فقره نشان می‌دهد بنی اسرائیل بدون تحمیل هیچ‌گونه فشاری به هارون فقط درخواستی را مطرح کردند. این جمله در کنار فقرات دیگری از تورات (خروج، باب ۱۶: ۱-۱۷: ۷) گویای آن است که بنی اسرائیل اعتماد کاملی به موسی(ع) نداشتند و با بدبینی به ایشان نگاه می‌کردند.

ب. جمع‌آوری طلاها و تحویل دادن آنها به هارون. بنی اسرائیل در این قسمت مرتکب اشتباهی نشدند؛ زیرا موسی(ع) قبل از ترک بنی اسرائیل مردم را به مشورت با او در امور دستور داد. (خروج، باب ۲۴: ۱۴)

ج. جمع شدن اطراف مجسمه‌ی گوساله «قربانی‌های سوختنی گذرانیدند و هدایای سلامتی آوردند و قوم برای خوردن و نوشیدن نشستند و به جهت لعب برپا شدند.» (خروج، باب ۳۲: ۶) به نظر می‌رسد بنی اسرائیل در این قسمت مرتکب اشتباهی نشدند؛ زیرا هارون هیچ امر و نهی در قبال آنها انجام نداد.

از متن تورات برداشت می‌داشت بعد از بازگشت موسی(ع) فقط قبیله‌ی لاوی از دستور آن حضرت پیروی کردند: «وقتی موسی دید که قوم با کمک هارون این چنین افسار گسیخته شده و پیش دشمنان، خود را بی‌آبرو کرده‌اند، کنار دروازه‌ی اردوگاه ایستاد و با صدای بلند گفت: «هر که طرف خداوند است پیش من بیاید.» تمام طایفه‌ی لاوی دور او جمع شدند. موسی به ایشان گفت: «خداوند، خدای بنی اسرائیل می‌فرماید: شمشیر به کمر ببندید و از این سوی اردوگاه تا آن سوی بروید و برادر و دوست و همسایه‌ی خود را بکشید.» لاوی‌ها اطاعت کردند و در آن روز در حدود سه هزار نفر از قوم اسرائیل کشته شدند.» (خروج، باب ۳۲: ۲۵-۲۸)

ثمره‌ی این تبعیت اثبات شایستگی آن‌ها برای خدمت خداوند شد: «موسی به لاوی-ها گفت: «امروز ثابت کردید که شایسته‌ی خدمت خداوند هستید با اینکه می‌دانستید که

اطاعت شما به قیمت جان پسران و برادرانتان تمام می‌شود، از فرمان خدا سرپیچی نکردید؛ پس خدا به شما برکت خواهد داد.» (خروج، باب ۳۲: ۲۹) در قسمت قبل نیز اشاره شد، بعد از این عمل بنی‌اسرائیل، موسی(ع) برای عذرخواهی به محضر خدا شرف-یاب شد و دوباره برای بنی‌اسرائیل شفاعت کرد که در مرحله‌ی اول خداوند تصمیم گرفت که آنان را به بلای هولناکی گرفتار کند. (خروج، باب ۳۲: ۳۰-۳۵). بنی‌اسرائیل با شنیدن این سخن ماتم گرفتند، به راز نیاز با خدا پرداختند تا سرانجام خداوند از این تصمیم منصرف شد. (خروج، باب ۳۳)

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان ادعا کرد نقاط اشتراک و افتراق نقل قرآن کریم و تورات پیرامون عمل کرد بنی‌اسرائیل عبارتند از:

۱. بنابر هر دو گزارش بازگشت موسی(ع) با تأخیر مواجه شد، با این تفاوت که در نقل قرآن کریم میقات اولیه آن حضرت سی شب معین شده بود که با افزایش به چهل شب (اعراف/۱۴۲)، این تأخیر ده شب طول کشید. در نقل تورات اگرچه موسی(ع) بعد از چهل شب و چهل روز برگشت، اما از اول معلوم نشده بود که غیبت آن حضرت چند روز طول می‌کشد.

۲. در هر دو گزارش بنی‌اسرائیل به وسیله‌ی گوساله‌ای از جنس طلا منحرف شدند، با این تفاوت:

الف) گوساله‌ی سامری صدای گوساله می‌داد اما گوساله‌ی هارون این خصوصیت را نداشت.

ب) در نقل تورات بنی‌اسرائیل به‌طور صریح از هارون درخواست کردند که برای آنها خدایی بسازد، اما در نقل قرآن چنین چیزی مطرح نشده است، بلکه خود سامری گوساله را ساخت.

ج) بنابر نقل تورات بنی‌اسرائیل بعد از انتخاب مجسمه‌ی گوساله به‌عنوان خداوند، برای وی قربانی کردند و در مقابل آن به رقص پرداختند، اما در نقل قرآن به این مطلب

اشاره است.

۳. در هر دو نقل بنی اسرائیل گمراه شدند، با این تفاوت که بنابر نقل قرآن تمام ماجرای گوساله‌پرستی بنی اسرائیل یک امتحان الهی بود که با افزایش میقات موسی (ع) از سی به چهل شب و ظاهر شدن مجسمه‌ی طلایی گوساله توسط سامری به وقوع پیوست و بنی اسرائیل نتوانستند این امتحان را با موفقیت پشت سر بگذرانند، اما در گزارش تورات به این مطلب اشاره نشده است. از این رو می‌توان این حادثه را بنابر گزارش قرآن به صورت منسجم و هدفمند تحلیل کرد و تمام ابعاد آن از جمله چرائی و چگونگی امتحان، آثار مثبت و منفی آن و غیره را مورد بررسی قرار داد، اما با توجه به عدم وجود این نکته در نقل تورات نمی‌توان آن را به صورت هدفمند تحلیل کرد.

۴. در هر دو نقل بنی اسرائیل برای جبران گناه خود به کشتن هم‌دیگر روی آوردند، اگرچه در کیفیت انجام آن هر دو متن دارای ابهام است.

۵. در هر دو گزارش بالاخره توبه‌ی بنی اسرائیل قبول شد، اگرچه در تورات این فرآیند طول کشید و خداوند بعد از همدیگرکشی آنان، توبه‌ی آنان را به طور کامل قبول نکرد و تصمیم داشت آنان را عذاب کند، اما در ادامه منصرف شد.

نتیجه‌گیری

بررسی گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل در سه محور «عملکرد عامل انحراف»، «عملکرد رهبران بنی‌اسرائیل» و «عملکرد بنی‌اسرائیل» نشان می‌دهد بین دو نقل قرآن و تورات شباهت‌های زیادی مثل اصل انحراف، کشتن همدیگر به‌عنوان توبه و غیره وجود دارد، اما نقل تورات دچار ناسازگاری درونی است و هارون(ع) مقصر اصلی انحراف است؛ زیرا به‌جای هدایت مردم، مجسمه‌ی گوساله را به آنان عرضه کرد؛ اما خداوند هیچ مجازاتی برای وی در نظر نمی‌گیرد و فقط بنی‌اسرائیل با کشتن همدیگر مجازات می‌شوند. ازسویی دیگر بنابر نقل قرآن هارون(ع) تا پای جان به‌بهترین شکل با گوساله‌پرستان مبارزه کرد؛ از این‌رو فاقد این ناسازگاری است. علاوه بر این گزارش قرآن دارای نقاط قوت دیگری چون طرح امتحان بنی‌اسرائیل، ترسیم زبردستی سامری در گمراه کردن بنی‌اسرائیل و مدیریت قوی موسی(ع) در مهار انحراف است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. امام عسکری(ع)، حسن بن علی(ع)، (۱۴۰۹ق)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری، قم: مدرسه امام مهدی(عج).
۴. بلاغی، محمد جواد، (۱۳۳۱ق)، الهدی الی دین المصطفی، صیدا: مکتبه العرفان.
۵. توفیقی، حسین، (۱۳۸۷ش)، آشنایی با ادیان بزرگ، بی‌جا: سمت و مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی و موسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ش)، تسنیم، ج ۴ و ۵، قم: اسراء.
۷. حریری، محمد یوسف، (۱۳۸۴ش)، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم: هجرت.
۸. رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹. رضایی‌اصفهانی، محمد علی و جمعی از پژوهشگران، (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۰. رضوان، عمر ابراهیم، (۱۴۱۳ق)، آراء المستشرقین حول القرآن، ریاض: دارطیبه.
۱۱. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۲. سلیمانی‌اردستانی، عبدالرحیم، (۱۳۸۶ش)، درس‌نامه‌ی ادیان ابراهیمی، قم: انجمن علمی ادیان و مذهب و کتاب طه.

۱۳. _____، (۱۳۸۷ش)، نگاهی به خداشناسی یهود در قرآن مجید، مجله هفت آسمان، ش ۴۰، زمستان.
۱۴. سن، جرج راولین، (۱۳۲۴ش)، تاریخ هرودوت، ترجمه ع. وحیدمازندرانی، تهران: کتابفروشی محمدعلی علمی.
۱۵. شعرانی، ابوالحسن، (بی‌تا)، تصحیح و حاشیه روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تهران: بی‌نا.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین، (۱۳۷۹ش)، الروضة البهیة، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۷. صدوق، ابن بابویه، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالثقافة.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۲۲. قمی مشهدی، محمد، (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۳. کاشانی، ملا فتح‌الله، (۱۳۳۶ش)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۵. ماسون، دنیز، (۱۳۸۵ش)، قرآن و کتاب مقدس: درون مایه‌های مشترک، ترجمه: فاطمه سادات تهامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهرودی.
۲۶. مدرسی، محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
۲۷. مستر هاکس، (۱۳۷۷ش)، قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر.

۲۸. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۶ش)، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه فرهنگی تمهید.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالمکتب الاسلامیه.
۳۰. نادری، حمید، (۱۳۹۶ش)، «تحلیل ابعاد امتحان بنی اسرائیل در زمان غیبت حضرت موسی(ع) از منظر قرآن کریم»، فصلنامه‌ی مطالعات تفسیری، سال هشتم، شماره‌ی ۳۰، تابستان.
۳۱. نادری قهفرخی، حمید و سعید رهائی، (۱۳۹۰ش)، بررسی تفسیری عصمت حضرت موسی(ع)، در مواجهه با حضرت هارون(ع)، فصلنامه‌ی مطالعات تفسیری، سال سوم، شماره‌ی ۱۲، زمستان.
۳۲. نادری قهفرخی، حمید و عزیزی کیا، غلامعلی، (۱۳۹۴ش)، «تحلیل عملکرد حضرت هارون(ع) در مقابله با گوساله‌پرستی بنی اسرائیل در قرآن»، دو فصلنامه قرآن‌شناخت، سال هشتم، شماره‌ی ۱۵، تابستان.
۳۳. ناس، جان، (۱۳۸۱ش)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

 [10.22034/rjcis.2025.11815](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11815)

 [10.22034/rjcis.2025.11815](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11815)

 [10.22034/rjcis.2025.11815](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11815)